



روایت آخر مسافر جاده اندوه و حماسه

غربت بس است، روسوی آن کوی و بام کن...

«امین» خستگی ناپذیر خراسان در کنج رواق «دارالذکر» مأوا گرفت

گزارش

امروز در تقویم تاریخ ایران، آفتاب بر فراز گنبد طلایی خراسان، متفاوت از همیشه طلوع کرد. پنجشنبه ۱۸ تیرماه مشهدالرضا (ع) نه در غبار، که در هاله‌ای از نور، حماسه و اشک، آغوش مادری خود را بر پیکر مردی گشود که تمام عمرش را در مسیر هدایت امت پیمود و سرانجام پیمان جهاد را امضا کرد. مسافران عتبات به خراسان بازگشت؛ به خانه خورشید. او که نگاهش سال‌ها لنگرگاه امت بود، حالا خسته از مجاهدت سالیان، به همان زادگاهی برگشته که روزی در قامت جوانی رسید، برای تحصیل علوم دینی و مبارزه آنجا را ترک کرده بود. مشهد، دست‌برسپینه و تمام‌قامت ایستاده تا شاه‌بیت قصیده باشکوه وداع باشد؛ قصیده‌ای که به شدت پسند طبع لطیف و روح شاعرانه آن سید خراسانی بود؛ دیری است زاشیانه جدا مانده‌ای «امین» غربت بس است روسوی آن کوی و بام کن... «امین» (تخلص سروده‌های رهبر شهید انقلاب) آمده است تا کرد خستگی از تن بکند و در سایه دیوار نقاره‌خانه بهشت هشتم بیاساید. مشهدالرضا (ع) خود را برای نخستین روز سال و استماع پیام بهاری رهبرش آماده کرده بود، اما تقدیر محرم، قاب دیگری بست؛ قاب مردمی که با نگاه‌های اشک‌بار و در هیاهوی یاد داغ تیرماه، خودروی حامل پیکر قائد خود را از میدان ۱۵ خرداد دربرگرفتند. فرود هوایم‌ای حامل پیکرها در فرودگاه شهید هاشمی نژاد، بانگ آغاز یک ابرویداد تاریخی بود که نظیرش را طوس تنها در دی ماه ۱۳۵۷ در یاد داشت. شهر خورشید امروز در تلاطم بی‌امان دستان اقوام ایرانی، می‌رود تا با طواف برگرد ضریح، آخرین قاب ملکوت را روی صفحات تاریخ معاصر حک کند.

روایت منزل آخر، روایت بازگشت خادم به مدار آفتاب است؛ مردی که تمام این جغرافیا را با گام‌های استراتژیکش به هم دوخت و حالا، در خط پایانی این هجرت سرخ، در بهینه‌های میلیون‌ها زادگاهش روی دستان مردمان خراسان تشییع می‌شود تا گره دراماتیک یک فرآیند طولانی باز شود...

پیش از آنکه خورشید مشهد طلوع کند، کاروان سرخ شهیدا باید از خط آتش و اشک کربلا عبور می‌کرد. چهارشنبه‌شب و در قلب عتبات، کربلا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین وداع‌های تاریخ خود بود. بدرقه باشکوه‌ای که تا نخستین ساعات بامداد پنجشنبه ۱۸ تیرماه ادامه داشت.

تعطیلی به فرمان آقایانوس

اینجا کربلا است. خط کشی‌های اداری معنایی ندارند؛ وقتی آقایانوس ۴ میلیون نفری انسان جغرافیایی را بند می‌آورد، ساختار حکومت تسلیم می‌شود. حجم هجوم بی‌سابقه طوایف و عشایر فرات اوسط در جاده نجف به کربلا به قدری فرساینده بود که حرکت کاروان شهیدا را ساعت‌ها به تأخیر انداخت. همین امر «ناصیف جاسم الخطابی»، استنادار کربلا را ناچار کرد روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه را تعطیل رسمی اعلام کند؛ تصمیمی که بلافاصله در استان‌های واسط، المثنی و عقره‌ها که از ساعت ۱۸ عصر چهارشنبه گذشت، کاروان در طوفان هوسات (رجزها) عربی در خیابان «ابومهدی المهدیس» محاط شد؛ شری حماسی از زبان شاعران و مداحان عراقی در بین‌الرحمن طنین‌انداخت که مغز عاطفی این هجرت را فاش می‌کرد و این معنی را داشت: «هر که گفته سید علی خامنه‌ای هم‌ان عراق است منوهم است؛ اینجا سرزمین اجدادش است و به دیدار آنها آمده است.»

۲۷ کشور

تخمین اولیه‌ی تشکیل‌های امنیتی و رسانه‌ای از آقایانوس عزادارانی که خطوط ترافیکی و میدان‌های مشهد را مهابار کردند.

۸ لجنی

تعداد ملیت‌ها و هیأت‌های رسمی بین‌المللی که برای تشییع امام مستضعفین خود را به بارگاه طوس رساندند.

۱۰۰۰ کیلومتر

مسافت طی شده توسط هموطنان اهل سنت سراوان برای اثبات وفاداری به رهبر شهید در خیابان امام رضا (ع)

۲۴:۳۵ در میدان «سید جوده»

ضریح در سکوتی انتظارآلود، چشم به ورودی‌های شهر داشت. ساعت ۲۴:۳۵ به وقت تهران، خودروی حامل پیکر رهبر شهید پس از ساعت‌ها حبس در سیل جمعیت، سرانجام به میدان

گزارش

سال‌ها پیش، رهبر شهید با تخلص ادبی «امین»، غزلی سرود و در انتهای آن غزل ناب، رو به آستان رضوی نجوا کرده بود: کنجی گزین و تا به قیامت مقام کن... حالا امروز خادمان حرم، کنجی را برای مقام ابدی امین امت برگزیده‌اند تا او در آغوش آفتابگردان ضریح، برای همیشه سر بر آستان ولی نعمت خود بگذارد.

یاران خراسانی سنگ تمام گذاشتند

ساعت ۱۴ روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه، پس از ۱۱ ساعت انتظار توأم با بی‌خوابی مجاوران، انتظارها به سر رسید. هواپیمای حامل پیکر رهبر شهید انقلاب و اعضای شهید خانواده ایشان که سپیده‌دم فرودگاه نجف را ترک کرده بود، در فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد به زمین نشست. مشهد به میزبانی فرزند شهیدش تمام‌قد زانو زد. با اینکه ستاد تشییع، مسیر رسمی را از میدان ۱۵ خرداد اعلام کرده بود، اما از نخستین ساعات بامداد، خیابان‌های فرعی «نواب صفوی، شهدا، شهید اندرزگو و چهارراه دانش» لبریز از کاروان‌های پیاده‌ای بود که شب را در پیاده‌روها به صبح رسانده بودند.

رنگ آمیزی خیابان امام رضا (ع) با دو رنگ سوگ و انتقام

با ورود خودروی حامل پیکرها به ابتدای خیابان امام رضا (ع) و شامه‌ی پایانه مسافربری، طوفان اصلی آغاز شد. آقایانوس انسانی مشهد به غلیان درآمد. خیابان امام رضا (ع) رسماً به صفحه‌ی رنگ‌آمیزی شده با دو تم متمایز تبدیل شد: مشکی عزای قائد امت، و سرخی بی‌امان پرچم‌های «با لثارات الحسین» و انتقام‌گه در یاد تموز به اهتزاز درآمده بودند.

اگر مشهد امروز حرف می‌زد

امروز من گذرگاه نبودم؛ بستر یک تمدن بودم. دستان سپیدی بلوچستان، شال‌های محلی چهارمحال، لویا تُرک و گرد و عرب، روی سینه‌ام یک خط ممتد پایداری ساختند تا جهان بداند این مسافر، لنگرگاه یقینی است که با شهادت سست نمی‌شود. دو رنگ مشکی سوگ و سرخ انتقام را بر تن کردم تا خورشوی امروز در تارپوید اشک‌های من به خانه برگشته است. ۶۰ سال بود او را به مصلحت، به پاستور و قیسه‌های امانت داده بودم. امروز که آمد، نقاره‌ها نمی‌نواختند؛ طوفانی از انسان کوهسنگی و احمدآباد را بلعده بود تا خادم روضه‌های منوره، برای همیشه زیر سایه شمس‌الشموس سر بر بالین خاک بگذارد.

در مدار طلایی طوس، به آرامش ابدی رسید. دریا در شمال آرام است و «خز» به استقبال مسافری آمده که در منازل پنجگانه قبل، در انتهای هر گزارش با اطمینان نوشت: «فردا جاده روایت دیگری خواهد داشت... چراکه جاده زنده بود و پیکر رهبر شهید بر دوش امت به پیش می‌رفت، اما امشب، ساعت ۲۰ همزمان با طنین نماز لیل‌الدفن در سراسر کشور، عقره‌ها به ایستند، خاک‌سپاری به پایان می‌رسد و رهبر دیرین امت در آغوش خورشید آرام می‌گیرد.

مسافر جاده اندوه و حماسه حالا دیگر رو به افق مه‌گرفته شمال می‌ایستد و می‌نویسد: فردا جاده روایت دیگری ندارد؛ روایت جاده به آغوش خورشید رسید و تمام شد...

را به خیابان امام رضا (ع) برسانند و یا مردانی از چهارمحال و بختیاری با لباس‌های سنتی شان، پرچم سه‌رنگ کشور را بر فراز دست گرفته، شانه‌به‌شانه یاران خراسانی رهبر شهید، به سمت میعادگاه وداع حرکت می‌کنند.

طنین صدای قائد و زلزله اشک در بهینه خیابان‌ها

یکی از دراماتیک‌ترین و سوزناک‌ترین لحظات تشییع، زمانی بود که به تناوب، صدای ضبط شده رهبر شهید از بلندگوهای غول‌پیکر مسیر پخش می‌شد. با طنین آن صدای آشنا، آرام و پرصلاطت، گویی جانی دوباره به جمعیت تزریق می‌شد؛ شیون و صدای گریه دسته جمعی مردم در فضا می‌پیچید و عزاداران، اشک‌باران بر سر و سینه می‌زدند. هتل‌ها، رستوران‌ها و خانه‌های مجاور خیابان امام رضا (ع)، درها را به روی زائران خسته و گرم‌زده باز کرده و با توزیع مداوم بطری‌های آب خنک، تلاش می‌کردند بار سنگین آفتاب داغ تابستان را از دوش تشییع‌کنندگان بردارند. در وقت نماز ظهر، آقایانوس انسان در کنار پیاده‌روها و بر روی سنگفرش‌های داغ، صفوف نماز جماعت را تشکیل دادند تا ارادت خود را به فقه این فقیه صبور نشان دهند. سهم هر کس، به اندازه ارادت بود که او را فرسنگ‌ها پیاده در این مسیر کشانده بود.

تلاقی تابوت و گنبد طلا: قاب ماندگار ملکوت

حوالی ساعت ۱۹ عصر به دلیل ازدحام جمعیت در حد فاصل چهارراه دانش تا حرم مطهر رضوی، ادامه انتقال پیکر در میان ضجه‌های مکتوم و شعارهای حماسی به صورت هوایی به حرم مطهر امام رضا (ع) انجام شد. در این لحظه، زیباترین و تکان‌دهنده‌ترین صحنه این سفرنامه در لنز تاریخ ثبت شد: قابی مشترک از تابوت پیکرها در تلاقی با گنبد و گلدسته طلایی حرم رضوی. گویی روح بلند قائد شهید، دست‌برسپینه بر فراز دستان امت ایستاده و زمزمه می‌کند: «اللهم صل علی علی بن موسی الرضا المرتضی الإمام التقی النقی و حجتک علی من فوق الأرض و من تحت الثرى...»

این شهر پیش‌تر از اینها و برای نخستین روز سال نوروز، خود را برای استقبال از رهبرش و شنیدن پیام استراتژیک او آماده کرده بود؛ اما تقدیر سرخ چنین رقم زد که این بار، مردم نه با چشمانی ذوق‌زده و مشتاقی، بلکه با نگاه‌های اشک‌بار و سینه‌هایی غم‌آلود، خود را برای دیداری به حرم برسانند که دیگر هرگز در این جهان تکرار نخواهد شد.

اقامه نماز در امتداد شاهراه

به دلیل تکمیل آنتی و مهباز پذیر ظرفیت صحن‌های بارگاه منور، به‌ویژه صحن پیامبر اعظم (ص) و صحن جامع رضوی، اقامه نماز بر پیکر مطهر به ناچار به خیابان‌های منتهی به حرم نیز کشیده شد. میلیون‌ها زائر یکصد فریاد می‌زدند: «عزاست امروز، روز عزاست امروز / امام هشتم ما، صاحب عزاست امروز».

پس از طنین نماز مغرب و عشاء در صحن پیامبر اعظم (ص)، آقایانوس عزاداران به قامت ایستادند تا نماز بر پیکر مطهر قائد شهید و خانواده گرمی‌شان به امامت فرزند ارشد رهبر شهید اقامه شود. با اتمام این مناسک وداع، پیکرها بر دوش خدام در میان ضجه‌های مکتوم بیت، برای آغاز مراسم خاک‌سپاری به رواق «دارالذکر» در صحن آزادی حرم مطهر رضوی منتقل شدند.

رمزگشایی از غزل ناتمام «امین»

اینجا، در خط پایانی روایت، باید به یک از شاعرانه و مکتوم پناه برد. سال‌ها پیش، رهبر شهید با تخلص ادبی «امین»، غزلی سرود که گویی آدرس دقیق امروز و نقطه پایانی این جاده سرخ را در آن پیش‌بینی کرده بود. او در انتهای آن غزل ناب، رو به آستان رضوی نجوا کرده بود: دیری است ز آشیانه جدا مانده‌ای «امین» / غربت بس است، روسوی آن کوی و بام کن / دانم که مستمند و تهدست و بی‌کسی / از بارگاه فیض رضا (ع) توشه وام کن / و آنجا که آمد و شد خیل ملانگ است / کنجی گزین و تا به قیامت مقام کن... امروز، بیت آخر این غزل محقق شده است. در طرح ضریح مطهر رضوی، در هشت لجنی چهارگوش آن، نقش‌هایی از گل آفتابگردان «به عنوان نمادی از شمس‌الشموس تعقیبه شده است؛ همان جایی که خادمان حرم، کنجی را برای مقام ابدی امین امت برگزیده‌اند تا او در آغوش گل‌های آفتابگردان ضریح، برای همیشه سر بر آستان ولی نعمت خود بگذارد.

دیگر جاده به انتها رسید

جغرافیای این هجرت سرخ از شرحی خزر به آفتاب تموز نجف، از جره‌های فیضی به بین‌الرحمن و سرانجام به آیین خاک‌سپاری در طوس گره خورده است. مسافر جاده اندوه و حماسه اما، دیگران آدم روز اول نیست؛ او حالا چمنانی که به غبار نجف نقل شده و سینه‌ای که هنوز از هوسات (رجزهای) عشایر در عمود ۹۰۰ کربلا سنگین است، به جاده‌های سراسری مازندران رسیده که روز اول، روایت این سوگ بزرگ را از بستر شرحی آن و از کنار مناز یاران سفرکرده آغاز کرد.

دست خالی بر نکشته؛ چیزی در اعماق چمن او تغییر کرده است. با این قلم، طواف غریبانه بامدادی در کاظمین را لمس کرد، در آقایانوس ۳.۸ میلیون نفی نجف میان «کلا کلا آمریکای پیر و جوان بصراوی نفس کشید، تکبیرهای بارانی قم و حجره‌های دلتنگ فیضیه را نوشت و سرانجام در مشهد، که چطور خادم خورشید پس از ۶۰ سال دورافتادگی از پس کوچه‌های زادگاهش، در شب شهادت امام سجاد (ع) و در مدار طلایی طوس، به آرامش ابدی رسید.

دریا در شمال آرام است و «خز» به استقبال مسافری آمده که در منازل پنجگانه قبل، در انتهای هر گزارش با اطمینان نوشت: «فردا جاده روایت دیگری خواهد داشت... چراکه جاده زنده بود و پیکر رهبر شهید بر دوش امت به پیش می‌رفت، اما امشب، ساعت ۲۰ همزمان با طنین نماز لیل‌الدفن در سراسر کشور، عقره‌ها به ایستند، خاک‌سپاری به پایان می‌رسد و رهبر دیرین امت در آغوش خورشید آرام می‌گیرد.



سفرنامه وداع

گزارش



شماره ۲۵ محرم ۱۴۲۸

سال سی و دوم شماره ۹۰۶۹

Friday 10 July 2026 Vol. 9069